

زدن خودمان انتخاب کردیم چرا که خواننده‌های پاپ قبل از شروع کار حرفه‌ای در مجالس عروسی می‌خوانند و با این کار ترس‌شان برای اجراهای بزرگ‌تر می‌ریزد و بیشتر آماده می‌شوند چرا که در چنین اجراهایی متوجه اشتباهات‌شان می‌شوند اما ما به‌واسطه سبک و سیاق موسیقی‌های‌مان نمی‌توانیم به مجالس عروسی برویم و خیابان جایگزین این مجالس می‌شود که استرس‌مان از بین برود و اشتباهات‌مان را جبران کنیم. هر چند به‌معتقد اجسرا در خیابان خیلی بهتر از اجرا در مجالس عروسی است.»

تولد گروه‌های موسیقی خیابانی

به‌واسطه تغییر نوع نگاه جوانان به‌ درآمذزایی و ارائه هنر خود به مخاطبان و به‌نوعی ترویج موسیقی مناسب بین مردم، این روزها شاهد تولد گروه‌هایی هستیم که صرفاًهدفشان اجرا در خیابان‌های شهر است بی‌آنکه توجهی به فرهنگ شهری مردمان‌شان داشته باشند. شاید تا امروز بیشترین نوازندگان خیابانی آقایان بودند اما امروزه می‌بینیم که زنان نوازنده نیز در کنار مردان به سطح شهرهای مختلف می‌روند.نوازندگی‌ها را به رهگذران خیابانی ارائه می‌دهند. شبنم صابری نوازنده‌ای است که مدیریت یکی از گروه‌های خیابانی را بر عهده دارد و البته خودش نیز نوازنده است. او گروهش را اصر فارابی اجرا در شهر تشکیل داده، ترویج موسیقی بین عامه مردم را از اهداف خود می‌داند.

او در این باره می‌گوید: «ما در گروه‌مان سازها و موسیقی‌مان را معرفی می‌کنیم.من در حال حاضر روی یک گروه تمرکز کردم ولی در آینده قصد دارم گروه‌های بیشتری برای اجرا در خیابان تشکیل دهم. ما در گروه‌مان بیشتر از آن‌که پاپ می‌زنیم البته مردم بیشتر موسیقی سنتی دوست دارند چرا که ریشه در فرهنگ‌مان دارد و سنت گرا هستند. به همین دلیل در فکر تشکیل یک گروه سنتی هم هستم در واقع قصد دارم از هر ژانر گروهی تشکیل دهم که سلیقه‌های متفاوت را پوشش دهم.»

وقتی پای امکان به اجراهای خیابانی باز می‌شود

شاید گسترش گروه‌های موسیقی خیابانی را بتوان در عدم طی کردن مراحل مختلف مجوز دانست چرا که در کشور ما صدور مجوز برای هنرمندان به‌نوعی طی کردن هفت‌خوان رستم است به همین دلیل برخی گروه‌ها برای فرار از این هفت‌خوان و مشکلات ناشی از آن، ترجیح می‌دهند موسیقی‌شان را بدون مجوز در شهر اجرا کنند که البته این مسئله آنرا از پرداخت هزینه‌های هنگفت مانند سالن‌ها نیز نجات می‌دهد. ما همه این تفاسیر نمی‌توان از نقش امکان در صدور مجوزهای خیابانی به‌راحتی گذشت چرا که این اداره همیشه مداخلاتی را در اجرای موسیقی دارد حال اجرا در سالن باشد حال در خیابان.

صابری که یکی از مشکلاتش مواجهه با اداره امکان و گرفتن مجوزهای اجرایی است،در این باره می‌گوید: «ما برای اجرا در مکان‌های مختلف شهر خیلی تلاش داریم و به‌نوعی دوندگی مان زیادت است چون پلیس خیلی در این زمینه ورود می‌کند البته که ما باید برای اجراهای‌مان در شهر از اداره امکان مجوز بگیریم و داشتن قوانین تقریباً سخت این اداره که عدم اجرای موسیقی‌های شاد یکی از آنهاست، برخی نقاط تهران بدون مجوز کنسرت می‌دهیم چرا که دوست داریم در همه جای شهر موسیقی‌مان را به مخاطبان ارائه دهیم.»

این نوازنده بر خلاف برخی دیگر، درآمذزایی را یکی از هدف‌های تشکیل گروه‌هایش می‌داند و ادامه می‌دهد: «ما با این اجراهای خودم نشان دهمیم که موسیقی هم می‌شود امری قلم داشت و فکر نکنند که دور هم نشستیم و برای تفریح ساز می‌زنیم هر چند که دید مردم جامعه ما نسبت به اجراهای‌مان مثبت نیست اما مطمئنم به مرور زمان این نوع نگاه تغییر می‌کند.»

گفت‌وگو با بابک چمن آرا، مدیر نشر بتهوون و استاد دانشگاه اجرای موسیقی در شهر عار نیست

چند سالی است که انواع موسیقی را می‌توان به راحتی در سطح شهر شنید بی‌آنکه نیاز به پرداخت هزینه‌های هنگفت برای خرید بلیت باشد. موسیقی‌هایی که عنوان شهری یا خیابانی را دارند و در گذشته‌های دور ریشه در فرهنگ‌مان داشته اما متأسفانه به بروز مدرنیته و تغییر شیوه زندگی مردم، نوع نگاه به گروه‌هایی که شغل‌شان اجرا در خیابان است، منفی شده‌اما ما همه این نگاه‌ها بر تعداد این گروه‌ها افزوده شده که البته بخشی از این ماجرا را می‌توان در طرحی که بابک چمن آرا، مدیر نشر بتهوون و استاد دانشگاه پیگیری کرد چرا که او در قالب طرح خود به دانشجویان موسیقی آنها را برای کسب درآمد و معرفی موسیقی به مردم ترغیب کرده است.

طی سال‌های گذشته اجرای موسیقی در سطح شهر توسط نوازندگان جوان نسبت به گذشته قوت گرفته است. گروه‌هایی که بعضاً با سازهای کلاسیک و سنتنی به اجرای ژانرهای مختلفی می‌درازند اما متأسفانه بسیاری از مردم نگاه‌شان به این نوازندگان بیشتر متکدی است. نظر شما به عنوان استاد دانشگاه است که طری‌خی بر اجرای موسیقی شهری به هنر جوان موسیقی دانشگاه دادید نسبت به این موضوع چیست؟

بخشی از فرهنگ ما شغل شهری و فعالیت‌های شهری است که مربوط به ۳۰ تا ۵۰سال گذشته هم نمی‌شود، ما شغل‌هایی داریم که در شهر در حرکت هستند، مثلاً آوازهای داریم که در خیابان حرکت می‌کند، از ۱۰۰ سال پیش میوه‌ها و نوبرانه‌ها را در شهر می‌گرداند و به فروش می‌رساند، همین اتفاق برای موسیقی هم می‌افتاده و بخشی از شغل‌ها بوده که به مرور زمان برخی از آنها از بین رفته و یکسری باقی مانده است. چیزی که مربوط به موسیقی می‌شود به دلیل مدرن شدن و بعد نگاه هنر مدرن است که در موسیقی در اوایل انقلاب و بعد از انقلاب شد کلاز بین رفت و اگر ساز و نوازنده‌ای در شهرها می‌دیدیم طبیعتاً خیلی از آنها آدم‌هایی بودند که از شهرستان می‌آمدند یا متکدی بودند و یا آدم‌هایی بودند که جزو شغل‌های فصلی آنها بود، یعنی ممکن بود فصل لیو بفروشد و فصل سرزمینش باشد و بعضی مواقع هم بیاید یک ساز بزند، اما اینکه نوازنده حرفه‌ای بودند و نه دست‌فروش حرفه‌ای. همه اینها با مشکلات اقتصادی، پول نداشتن‌ها و مشکلاتی که در یکی، دو دهه گذشته پیش آمد به هم گره خورده بودند و تکلیف مشخص نبود که آیا اینکه در خیابان ساز می‌زند شغل دیگری دارد یا خیر، به نظر من اگر بخواهیم به جمع‌بندی اینها برسیم متکدی نگاه کردن این‌صردرصد اشتباه است، اینها به شغل‌های حرفه‌ای بوده یا بخشی از تداوم فرهنگ ما و یا شغل‌های فصلی بوده‌اند که به‌طور غیر حرفه‌ای و آماتور این کار را انجام می‌داند. طی چند سال گذشته به دلیل مسافرت‌های بیشتری که به اروپا شده متوجه شدیم که یکسری آدم تمیز هم هستند که هر روز لباس می‌پوشند و خیلی شیک در یکی از ایستگاه‌های مترو، ایستگاه اتوبوس یا میدانی خیلی بزرگ مشغول ساز زدن می‌شوند و حتی ممکن است این شخص نوازنده، آلبوم منتشرشده هم داشته باشد و بسته به سرد و گرم شدن هوا در شهر، شهربا یا حتی کشورهای مختلفی را برای اجرا انتخاب کند. من حدود ۱۲ سال پیش یک گروه مکزکی را که موسیقی سرخوستی اجرا می‌کردند و سی‌دی و آلبوم داشتند در سه کشور طی دو سال مختلف دیدم. فکر می‌کنم چیزی که من دیدم خیلی‌ها دیدند و شنیدند، این جزأت را پیدا کردند و این جنم را داشتند و در سطح شهر این کار را انجام دادند. به دلیل گذشت چند سال با تغییر نگاه، مسئولان دردهای مختلف از شهر داری، نیروی انتظامی و… نمی‌دانستند باید با اینها چطور برخورد کند، آیا اینها باید مجوز بگیرند یا نگیرند؟ آیا کارشان اشتباه یا درست است؟ قانونی یا غیرقانونی است و بالای سر آن چه کسی باید تصمیم بگیرد؟ همه اینها بلا تکلیف بود، کما اینکه هنوز هم خیلی مشخص نیست که برای این نوع موسیقی‌ها چه کسی باید سیاست‌گذار کند و مجوز لازمه را صادر کند و اصولاً آیا باید مجوزی صادر شود یا خیر و استاندارد ی وجود دارد یا ندارد؟

موسیقی باید در شهر جریان داشته باشد خارج شدن موسیقی از انجماد و رکود نوید دهقان

آهنگساز نوازنده کمپجه

با توجه به رشد جمعیت و گستردگی جوامع، وسایل ارتباط جمعی از جمله اینترنت و فضای مجازی باعث شده اطلاعات و اخبار به‌راحتی در اختیار مردم قرار گیرد که موسیقی نیز از این قاعده مستثنا نیست و درواقع می‌توان گفت که بیشترین تاثیر را از این جریان پذیرفته است.

در کشورما فلیک فرم خاصی از موسیقی اجازه فعالیت داشته‌اند و خیلی کچدار و مریز فعالیت می‌کرده و از طرفی هم به موسیقی اجازه تبلیغات در دوره‌ای نداده‌اند و رسانه‌های صوتی و تصویری هم در این زمینه عملکرد خوبی نداشته، بنابراین ساز هم کمتر در جامعه و قشر عام شناخته می‌شده به همین دلیل مردم تفاوت سازها را خیلی‌ها متوجه نمی‌شدند.

بارها برای من اتفاق افتاده بود که وقتی ساز به‌دست در خیابان تردد می‌کردم برخی از من می‌پرسیدند این چه سازی است ولی خوشبختانه امروزه به‌واسطه ارتباطات

شما پروژه‌ای را در دانشگاه علمی –کار بردی واحد ۴۶ به دانشجویان ارائه دادید مبنی بر اجرای موسیقی در سطح شهر که به نوعی کارورزی آنها نیز محسوب می‌شود. این طرح با چه انگیزه و هدفی شکل گرفته؟
موضوع واحد درسی ما در آن دانشگاه این است که از موسیقی با چه شیوه‌هایی می‌شود درآمد داشت و این هنر را چگونه به عنوان مایه یک شغل و کار به دست گرفت؟ طبیعتاً اولین چیزی که به نظر همه می‌رسد نوازندگی در استودیوها، ارکسترها، خوانندگی و نهایتاً صدابرداری و آموزش در آموزشگاه‌هاست. اما از دید من بی‌نهایت شغل وجود دارد که در حقیقت می‌تواند مایه یک شغل باشد که به‌طور خاص در این مورد، اجرای موسیقی شهری است که من آن را موسیقی شهری صدا می‌کنم نه موسیقی خیابانی. اجرای موسیقی شهری اولاً بخشی از فرهنگ ماست که فاصله‌ای ۳۳ تا ۴۰ساله بین آن افتاده است و چیزی که در فرهنگ ما باشد خیلی زود به دل می‌نشیند، برمی‌گردد و سسر جای خود قرار می‌گیرد. نکته دوم فرهنگ سازی است. بخشی که ما در رسانه ملی خودمان نداریم به شهر و جلوی چشم مردم می‌آوریم. من به شام‌قاری که در اگرم ۵سال گذشته * ۲۰ گروه یا شخص در سطح شهر اجرای موسیقی کرده‌باشند تأثیری نداشتند خیلی بیشتر از تمام تلاشی بوده که موسسات فرهنگی، هنری، آموزشگاه‌ها،سازفروشی‌ها و همه ابزارها و بازوهای اجرایی موسیقی داشتند تا بخواهند ساز را به مردم نشان دهند. من خودم دیدم که بسیاری از مردم در مواجهه با گروه‌های اجرایی در سطح شهر می‌آمدند سازها را نگاه می‌کردند و از نوازنده سؤال می‌کردند که این چیست و برای اینکه بخواهیم این ساز را بزینم و داشته باشیم باید چه کاری باید انجام دهیم.به جرأت می‌توان گفت که شاید ۵درصد مردم ایران وقتی یک موسیقی را می‌شنوند، نمی‌توانند تشخیص دهند که این چه سازی است که اجرا می‌شود. اما اینکه از نزدیک ساز را لمس کنند بسیار اتفاق مهمی است و از نظر من این می‌تواند به عنوان یک شغل و یک حرفه باشد حال شغل اصلی یا مکمل. البته هر کسی که می‌خواهد شغلی داشته باشد، یا شغلی خلاقیت، پشتکار و مدیریت آن شغل را بلد باشد.

شما به دو مورد اشاره کردید که یکی فرهنگ‌سازی و دیگری مدیریت شغلی بود، متأسفانه ما در کشورمان به ندرت مدیریت شغلی داشته‌ایم. فکر می‌کنید اگر این مدیریت در دست اتفاق نیفتد چقدر می‌تواند در عین حالی که تأثیرگذار باشد مخرب هم شود و دید مردم را نسبت به یک موسیقی شهری تغییر دهد؟

این در مورد تمام شغل‌ها صادق است. یک نفر هر شغلی که می‌خواهد داشته باشد باید فن آن را یاد بگیرد و قانون آن را شغلش را بداند. شساگردی کرده باشد یا درشتش را جایی خوانده باشد. من هم که در کار خودم * ۲۰ سال است فعالیت می‌کنم اگر بخواهم شغلم را تغییر دهم بخشی از سابقه * ۱۰ساله تم من می‌تواند در شغل بعدی به مردم بخورد وگرنه باید کار جدید را یاد بگیرم.

اینکه صرفاً بتوان ساز نواخت شرط لازم است اما قطعاً شرط کافی نیست و آن آدم باید یاد بگیرد که شهر، چه زمان از سال و چه موقع روز باید چه کاری انجام دهد و چگونه مخاطب را راضی کند. تمام اینها به جز اینکه ممکن است در ذات یک نفر باشد مورد کتسبایی هم هست که می‌تواند این کار را انجام داده و به آن برسد و منظور من از مدیریت، مدیریت آن شخص و گروه بر کار خودش بود. الان اصصاری ندارم که حتماً یک سازمانی، مدیریت این گروه‌ها را بر عهده بگیرد، چون معمولاً تجربه خوبی از این مدیریت‌ها نداشته‌ام. به نظر من باید بچه‌ها را آزاد بگذاریم که کار خود را انجام دهند و به لحاظ کمی به تعداد زیادی برسند و زمانی که کمیت زیاد شود، کیفیت خودش تکلیف خودش را روشن می‌کند.

دانشجویان جامعه‌گرا نوازنده سازهای مختلف هستند و اگر بخواهیم هسان این مدنی باشند را نسبت به اجرای موسیقی در شهر در نظر بگیریم وقتی این طرح به آنها ارائه شد با چه واکنش‌هایی روبه‌رو شدید؟

۹۵درصد بچه‌ها بسیار راضی بودند و تمایل داشتند این کار را انجام دهند و البته

خصوصاً فضاهای مجازی یاد شده موسیقی و سازها راحت‌تر در اختیار عامه مردم قرار گیرد و به نوعی همه‌جا باعث شود.
موسیقی و اجرای قطعات در فضای مجازی منتشر شده که همه در شکل سازها آشنا هستند و این مسئله به موسیقی ایرانی کمک بسیاری کرده چرا که در همه * ۷در کشورمان رسانه‌ای برای موسیقی نداشتیم که سازهای ایرانی را نشان دهند و از طرفی دیگر سازهای غربی به‌واسطه حضور ماهواره و یا انتشار به‌صورت فیلم‌های ویدئویی بین مردم رواج یافت و همه با سازهای غربی آشنا شدند و سازهای ایرانی‌ها فاصله گرفتند. اما در شرایط کنونی با تغییر شرایط و انتشار موسیقی‌های متفاوت به‌صورت غیررسمی در فضای مجازی، این هنر از حالت انجماد و رکود خارج شده است.

مسئله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، کم‌شدن حد و مرزها در موسیقی ماست. از آنجایی که شناخت و آموزش درست در جامعه در زمینه هنر وجود ندارد و امکان انتشار اثر برای هر قشری از استاد * ۵ساله گرفته تا دانشجویی که ۶ماه کلاس رفته در کال‌های تلگرامی و اینترنت فراهم است، تفاوت‌ها و تمایزها برای عامه مردم قابل تشخیص نیست و در واقع مردم با همه‌چیزی از موسیقی‌ها مواجه می‌شوند و نمی‌دانند کدام درست، خوب و موسیقی جدی‌تری است؟در واقع این شرایط تشخیص برای مردم را سخت می‌کند و این در حالی است که در دوره‌ای راه انتشار موسیقی فقط آلبوم بود و در این مسیر کسانی می‌توانستند وارد شوند که از درجه علمی و فنی برخوردار بودند ولی امروزه راه‌های انتشار موسیقی زیاد شده و این مسئله جامعه

گفت‌وگو

گفت‌وگو با بابک چمن آرا، مدیر نشر بتهوون و استاد دانشگاه

چند سالی است که انواع موسیقی را می‌توان به راحتی در سطح شهر شنید بی‌آنکه

نیاز به پرداخت هزینه‌های هنگفت برای خرید بلیت باشد. موسیقی‌هایی که عنوان شهری یا خیابانی را دارند و در گذشته‌های دور ریشه در فرهنگ‌مان داشته اما متأسفانه به بروز مدرنیته و تغییر شیوه زندگی مردم، نوع نگاه به گروه‌هایی که شغل‌شان اجرا در خیابان است، منفی شده‌اما ما همه این نگاه‌ها بر تعداد این گروه‌ها افزوده شده که البته بخشی از این ماجرا را می‌توان در طرحی که بابک چمن آرا، مدیر نشر بتهوون و استاد دانشگاه پیگیری کرد چرا که او در قالب طرح خود به دانشجویان موسیقی آنها را برای کسب درآمد و معرفی موسیقی به مردم ترغیب کرده است.

طی سال‌های گذشته اجرای موسیقی در سطح شهر توسط نوازندگان جوان نسبت به گذشته قوت گرفته است. گروه‌هایی که بعضاً با سازهای کلاسیک و سنتنی به اجرای ژانرهای مختلفی می‌درازند اما متأسفانه بسیاری از مردم نگاه‌شان به این نوازندگان بیشتر متکدی است. نظر شما به عنوان استاد دانشگاه است که طری‌خی بر اجرای موسیقی شهری به هنر جوان موسیقی دانشگاه دادید نسبت به این موضوع چیست؟

بخشی از فرهنگ ما شغل شهری و فعالیت‌های شهری است که مربوط به ۳۰ تا ۵۰سال گذشته هم نمی‌شود، ما شغل‌هایی داریم که در شهر در حرکت هستند، مثلاً آوازهای داریم که در خیابان حرکت می‌کند، از ۱۰۰ سال پیش میوه‌ها و نوبرانه‌ها را در شهر می‌گرداند و به فروش می‌رساند، همین اتفاق برای موسیقی هم می‌افتاده و بخشی از شغل‌ها بوده که به مرور زمان برخی از آنها از بین رفته و یکسری باقی مانده است. چیزی که مربوط به موسیقی می‌شود به دلیل مدرن شدن و بعد نگاه هنر مدرن است که در موسیقی در اوایل انقلاب و بعد از انقلاب شد کلاز بین رفت و اگر ساز و نوازنده‌ای در شهرها می‌دیدیم طبیعتاً خیلی از آنها آدم‌هایی بودند که از شهرستان می‌آمدند یا متکدی بودند و یا آدم‌هایی بودند که جزو شغل‌های فصلی آنها بود، یعنی ممکن بود فصل لیو بفروشد و فصل سرزمینش باشد و بعضی مواقع هم بیاید یک ساز بزند، اما اینکه نوازنده حرفه‌ای بودند و نه دست‌فروش حرفه‌ای. همه اینها با مشکلات اقتصادی، پول نداشتن‌ها و مشکلاتی که در یکی، دو دهه گذشته پیش آمد به هم گره خورده بودند و تکلیف مشخص نبود که آیا اینکه در خیابان ساز می‌زند شغل دیگری دارد یا خیر، به نظر من اگر بخواهیم به جمع‌بندی اینها برسیم متکدی نگاه کردن این‌صردرصد اشتباه است، اینها به شغل‌های حرفه‌ای بوده یا بخشی از تداوم فرهنگ ما و یا شغل‌های فصلی بوده‌اند که به‌طور غیر حرفه‌ای و آماتور این کار را انجام می‌داند. طی چند سال گذشته به دلیل مسافرت‌های بیشتری که به اروپا شده متوجه شدیم که یکسری آدم تمیز هم هستند که هر روز لباس می‌پوشند و خیلی شیک در یکی از ایستگاه‌های مترو، ایستگاه اتوبوس یا میدانی خیلی بزرگ مشغول ساز زدن می‌شوند و حتی ممکن است این شخص نوازنده، آلبوم منتشرشده هم داشته باشد و بسته به سرد و گرم شدن هوا در شهر، شهربا یا حتی کشورهای مختلفی را برای اجرا انتخاب کند. من حدود ۱۲ سال پیش یک گروه مکزکی را که موسیقی سرخوستی اجرا می‌کردند و سی‌دی و آلبوم داشتند در سه کشور طی دو سال مختلف دیدم. فکر می‌کنم چیزی که من دیدم خیلی‌ها دیدند و شنیدند، این جزأت را پیدا کردند و این جنم را داشتند و در سطح شهر این کار را انجام دادند. به دلیل گذشت چند سال با تغییر نگاه، مسئولان دردهای مختلف از شهر داری، نیروی انتظامی و… نمی‌دانستند باید با اینها چطور برخورد کند، آیا اینها باید مجوز بگیرند یا نگیرند؟ آیا کارشان اشتباه یا درست است؟ قانونی یا غیرقانونی است و بالای سر آن چه کسی باید تصمیم بگیرد؟ همه اینها بلا تکلیف بود، کما اینکه هنوز هم خیلی مشخص نیست که برای این نوع موسیقی‌ها چه کسی باید سیاست‌گذار کند و مجوز لازمه را صادر کند و اصولاً آیا باید مجوزی صادر شود یا خیر و استاندارد ی وجود دارد یا ندارد؟

موسیقی باید در شهر جریان داشته باشد خارج شدن موسیقی از انجماد و رکود نوید دهقان

آهنگساز نوازنده کمپجه

با توجه به رشد جمعیت و گستردگی جوامع، وسایل ارتباط جمعی از جمله اینترنت و فضای مجازی باعث شده اطلاعات و اخبار به‌راحتی در اختیار مردم قرار گیرد که موسیقی نیز از این قاعده مستثنا نیست و درواقع می‌توان گفت که بیشترین تاثیر را از این جریان پذیرفته است.

در کشورما فلیک فرم خاصی از موسیقی اجازه فعالیت داشته‌اند و خیلی کچدار و مریز فعالیت می‌کرده و از طرفی هم به موسیقی اجازه تبلیغات در دوره‌ای نداده‌اند و رسانه‌های صوتی و تصویری هم در این زمینه عملکرد خوبی نداشته، بنابراین ساز هم کمتر در جامعه و قشر عام شناخته می‌شده به همین دلیل مردم تفاوت سازها را خیلی‌ها متوجه نمی‌شدند.

بارها برای من اتفاق افتاده بود که وقتی ساز به‌دست در خیابان تردد می‌کردم برخی از من می‌پرسیدند این چه سازی است ولی خوشبختانه امروزه به‌واسطه ارتباطات



خیلی از آنها قبلاً انجام داده بودند یا مشغول آن هستند. در این ۹۵درصد هم خیلی‌ها بودند که تمایل به انجام کار داشتند، اما خجالت می‌کشیدند و به هر حال خجالت‌کشیدن به‌صورتی بود که اگر اینها بخواهند نوازنده ار کستر هم شوند این خجالت همچنان همراه‌شان است و این مسئله به نوعی در آموزش‌هایی است که تا الان تدریس و در محیطی رشد کرده‌اند که تاکنون پرورش پیدا کرده‌اند. قرار نیست که یک نوازنده حتماً در استودیو در کنار ساز بزند و دیده نشود. نوازنده و هنرمند باید هنرش توسط مردم دیده شود و این بخشی از آموزش است که اتفاقاً باید در سنن پاپین‌تر به این بچه‌ها داده می‌شد که در همه‌جا ساز بزنید و باز خورد کارتان و انرژی خود را از مردم بگیرد و ادامه راهتان را با نظر مردم و چیزی که در ذهن خودتان است بسازید.

البته خیلی‌ها هم مخالف بودند و من به آنها حق می‌دهم زیرا دلایلی ندارد همه نوازنده‌ها این کار را انجام دهند و اجبار نیست. ضمن اینکه فکر می‌کنم اینها بخشی از جامعه هستند که هنوز به دلیل فاصله فرهنگی‌ای که افتاده به این کار به نوع دیگری نگاه می‌کنند و در ادامه راه و تداوم آن حتماً نظرشان تغییر خواهد کرد. من از بچه‌هایم خواش می‌کنم که اگر حوصله دارند در رابطه با موسیقی‌ای که اجرا می‌کنند و سازی که می‌نوازند به مردم توضیحاتی نیز بدهند و ساز و موسیقی‌شان را معرفی و اطلاعاتی را به آنها ارائه دهند و حتی می‌توان به‌صورت تایپ شده اینها را در اختیار مردم گذاشت.

البته اینها همه کارهایی است که آن سازمان‌گرن شکسته باید در طول این سال‌ها انجام می‌داده و همچنان انجام نمی‌دهد. پس اجازه دهید که حالا که در حال اجرا شدن است و یک نفر دانشجو با تحصیلات آکادمیک و علم توسط چند استاد در سال‌های مختلف آموزش دیده، این هنر را به مردم یاد بدهد.

چه مواردی را در نظر دارید که دید مردم نسبت به این نوع موسیقی تغییر کند؟

به نظرم اجرا موسیقی در شهر عار نیست بلکه ارائه هنر و شغل است و خیلی از نوازندگانی که این کار را انجام می‌دهند، از نظر مالی در شرایط خوبی هستند و ممکن است در ارکستری شغلی هم داشته باشند و حتی در خیلی از جاها بابت مکانی که در آن کار می‌کنند هم اجاره می‌دهند.

البته دلم می‌خواهد به مردم بگویم بابت لذتی که از دین اجراهای شهری می‌برد، چیزی که یاد می‌گیرید و لحظات خوشی که از دارید، از این هنرمندان قدر دانی کنید، تمایل داشتید پول بدهید و با آفرین و خسته‌نباشید بگویید. اینها محتاج نیستند بلکه شغل‌شان است. مانند این است که اگر یک نفر بر تقالی می‌فروشد و دیگری شلغم، شما در ازای خریدی که از او دارید باید هزینه پرداخت کنید، نمی‌توانید بگویید که آخی چه چیزی می‌فروشد و دلوسزی کنید. نوازندگی که با خوانندگی در خیابان هم شغلی است که به مخاطب هنری را یاد می‌دهد بنابراین علاوه بر اینکه لذت می‌برد قدردان آن باشد.

یادداشت

را دچار سردرگمی کرده است.در کنار همه این شرایط، می‌بینیم که موسیقی در جای جای شهرمان نیز به‌واسطه اجراهای خیابانی جاری است که من نه تنها آنها را مخرب نوعی ندانم بلکه نگاه منفی نیز نسبت به آنها ندارم هر چند که خیلی با این نوع موسیقی برخورد نداشته‌ام اما گاه‌ها با نوازندگان در خیابان برخورد می‌کنم که معمولاً سطح پاپینی از نوازندگی دارند ولی اساساً معتقدم که موسیقی باید جریان داشته باشد و اجرا شود حال در هر سطحی و هر سطحی. یکسری‌ها در سالن کنسرت و برخی دیگر در خیابان‌ها می‌نوازند و این به شرایط داده شدن ساز و موسیقی می‌شود. هر چند که نمی‌توان از دیدگاه منفی مردم جامعه غافل ماند چرا که اساساً دیدگاه مردم ایران نسبت به هنر بسیار ابتدایی و نادرست است چون که شناختی از هنر در این سرزمین وجود ندارد و لازمه شناخت از هنر نیز آموزش است. جای تأسف است که بگویم هیچ شناختی در مورد هنر و بالاخص موسیقی در جامعه وجود ندارد بنابراین نه فقط قضاوت‌ها در مورد آنها بلکه قضاوت در مورد هنرمندان برجسته و درجه یک هم نادرست است. من گاه‌ها با این مسئله مواجه شدم که اثر در خشان یک هنرمند برجسته، یک صدم یک اثر ضعیف همان هنرمند هم مورد توجه قرار نگرفته است.

من همیشه دلم می‌خواست در گوشه‌ای از خیابان سساز بزنم و واکنش مردم عام را ببینم پس حضور این نوازنده‌ها و اجرای موسیقی در شهر در هر سطح و ژانر و موقعیتی نه تنها بد نیست بلکه خوب هم است و دیدگاه مردم نیز با این وضعیت تاکنون تلاشی برای بهبود آن صورت نگرفته تا سالیان سال بدتر از این نیز خواهد شد.

خبرورز

معرفی نامزدهای داستان کوتاه جایزه جلال

نامزدهای بخش مجموعه داستان کوتاه دهمین جایزهٔ ادبی جلال احمد معرفی شدند. نامزدهای بخش مجموعه داستان کوتاه دهمین جایزه ادبی جلال ا احمد معرفی شدند که به شرح زیر است:

«اسم شوهر من تهران است»، اثر زهره شعبانی، نشر مرکز

«بی‌باد، بی‌پارو»، اثر فریبا وفا، نشر چشمه

«بی‌وزنی»، اثر محسن عباسی، نشر افرق

«خانه کوچک ما»، اثر دار پوش احمدی، نشر نیماژ

«سنگ پحیا»، اثر خسرو عباسی خودلان، نشر نیماژ

لغو کنسرت همای در اراک و صهبایی در تهران

مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد‌استان مرکزی اعلام کرده است، کنسرت پرواز همای که قرار بود شامگاه شنبه ۱۰دی‌ماه در اراک برگزار شود، در این تاریخ برگزار نخواهد شد.به گزارش ایلنا، محسن شریفی (مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاداستان مرکزی) در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌های رسمی داخلی درباره کنسرت پرواز همای در اراک عنوان کرده: این کنسرت که قرار بود در مجتمع ستارگان اراک برگزار شود، به زمان دیگری موکول شد. نقص فن در سالن برگزاری کنسرت، دلیل لغو این برنامه بوده است. همچنین گفته است: هنرینه بلیت مخاطبان این کنسرت بازگردانده می‌شود. زمان برگزاری این کنسرت و اطلاع‌رسانی، متعاقباً اعلام می‌شود. همزمان با لغو کنسرت همای در اراک، کنسرت ارکستر مجلسی ایران که قرار بود دوشنبه، ۱۱دی در فرهنگسرای نیاوران برگزار شود، نیز لغو شد.منوچهر صهبایی (رهمبر ارکستر مجلسی ایران) با اعلام این خبر گفته است: تمامی برنامه‌ریزی‌ها به‌شکلی انجام گرفته بود که ساعت ۳۰، ۳۰روز دوشنبه ۱۱دی‌ماه‌تازترین کنسرت ارکستر مجلسی ایران به‌رهبری من در فرهنگسرای نیاوران تهران با اجرای آثاری از هایدن، موتزارت و سالی‌بری برگزار شود که به‌دلیل ضعف جسمانی منیژه صهبایی موجب شد تاریخ برگزاری کنسرت به وقت دیگری موکول شود.

احتمال اکران همزمان در ایران و آمریکا

علی عطشانی از احتمال اکران همزمان فیلم «اولین تولد» محصول ایران و آمریکا خبر داد. علی عطشانی کارگردان فیلم سینمایی اولین تولد) در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به آخرین وضعیت این فیلم گفت: فیلم اولین تولد در مراحل پایانی تدوین و تاالون‌ها قرار دارد.وی ادامه داد:فيلم برای این نمایش به‌جشنواره فیلم فجر ارائه‌نکردیم وبیشترنژ تمرکز خود را برای اکران فیلم در ایران و آمریکا گذاشت‌ایم. همچنین از جشنواره‌های مختلف پیشنهادتی برای نمایش فیلم داریم.عطشانی ادامه داد:دوست دارم که فیلم «اولین تولد» در ایران اکران شود. به‌محض آنکه این فیلم آماده نمایش شود، درخواست اکران آن را به وزارت ارشاد اعلام می‌کنیم اما اکران آن در ایران باید همزمان با آمریکا باشد زیرا امکان اکران زودتر در ایران وجود ندارد. در طرفی دیگر اگر فیلم در آمریکا اکران شود، بلافاصله بعد از پایان اکران، نسخه ویدئویی و آنلاین آن عرضه می‌شود؛ این وقت دیگر امکان اکران در ایران ندارد. عطشانی با اشاره به اینکه این فیلم اولین تعامل جدی ایران و هیولابود است، گفت: چهار بازیگر شناخته‌شده‌الیبود در این فیلم بازی می‌کنند و برای من بسیار مهم است که شرایطی در ایران فراهم شود تا فیلم اکران شود. ایودارم با یک نگاه مثبت و تعامل سازنده‌به اکران فیلم نگاه‌شود.

منبع:فیگاروادایی